

# ایستاد هفت

سال سی و پنجم، شماره ششم  
بهار و آسفند ۱۴۰۳  
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و  
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۰

آخر یکی از مسلمانان چراغی فرا راه من دارید! | چاپ نوشت (۱۷) |  
برگی از ادبیات ضد صوفی در مسلمانان هند | نسخه خوانی (۳۹) |  
آینه‌های شکسته (۷) | مرگ چنین خواجه... | تازیدن؟ تاسیدن؟  
ناهیدن؟ | خراسانیات (۳) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۳) |  
متنی دیگر از سنیان دوازده‌امامی | نوشتگان (۱۱) | نظریه  
آواشناختی خلیل بن احمد و زبان‌شناسی هندی | طومار (۹) |  
اشارات و تنبیهات (۷) | حدیث «علي مع الحق» از عبات الأنوار |  
رباعیات صرفی کشمیری در دیوان خاقانی | سحر با باد می‌گفتم  
حدیث آرزومندی | **نکته، حاشیه، یادداشت**

جامع‌العلوم القرآن، تفسیر ابي الحسن الرماني  
روند تحول نگاه اهل سنت به نهج البلاغه در قرن هفتم هجری  
**اپوست آینه پژوهش**

جويا جهان بخش | مجيد جليسه  
رسول جعفریان | حيدر عبوضي  
محمد سوزی | مسعود راستی پور  
اميد حسینی نژاد | آریا طیب زاده  
میلاد بیگلر | احمد رضا قائم  
مقالی | علی زاد | حمید عطاری  
نظری | علی بوذری | سید علی  
میرافضلی | مرتضی علی زاده نجار |  
خلیل حسینی عطاری | علی ایمانی  
ایمنی | مرتضی کریمی نیا | سید  
محمد حسین حکیم

# تازیدن؟ تاسیدن؟ ناهیدن؟

مسعود راستی پور

| ۱۴۷-۱۵۶ |

تقدیم به استاد مصطفی جیحونی

۱۴۷

آبَنَه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

چکیده: در این مقاله به بررسی یکی از ابیات دشواریاب شاهنامه پرداخته شده است و پس از بررسی وجوه دشواریاب بودن معنای آن، با ترجیح ضبط قدیم‌ترین نسخ، کوشش شده است علل تصحیف و تحریف آن توسط کاتبان و مصححان شاهنامه بررسی شود. با بررسی‌های صورت‌گرفته روشن خواهد شد که صورت اصیل بیت مورد نظر، بر خلاف گفته غالب مصححان و هماهنگ با ترجیح مصطفی جیحونی، «سر سَرکشان اندر آمد به خواب / ز تازیدن باد پایان بر آب» (از حرکت سریع [اما نرم] اسبان روی آب، جنگ‌آوران خواب‌آلود شدند) است و صورت‌های «تاسیدن» و «ناهیدن» که دیگران پیشنهاد کرده‌اند، مصحّف و محزّف است. همچنین نشان داده خواهد شد که مطابق نظر جیحونی، بیت پس از این بیت در دستنویس‌های شاهنامه، که در چاپ‌های مسکو و خالق‌ی مطلق به حاشیه رفته، اصیل است و یکی از شواهد قدیم اشاره به «بازی خیال» به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: تازیدن، تاسیدن، ناهیدن، شاهنامه، تصحیح متن، ضبط دشوارتر، ابیات الحاقی، بازی خیال.

Tāzīdan? Tāsīdan? Nāhīdan?  
Masoud Rastipour

**Abstract:** This article critically examines an obscure verse from the *Shāhnāmah*, focusing on its semantic dimensions, and textual transmission. By prioritizing the earliest extant witnesses, it investigates the causes of scribal and editorial alterations and emendation over time. The study analyzes orthographic and interpretive variations while advocating for the authenticity of the reading proposed by Mostafā Jeyhouni: “sar-e sarkeshān andar āmad be kbāb / ze tāzīdan-e bād-pāyān bar āb” (i.e., “The warriors became drowsy from the swift [but soft] movement of the horses on the water”). Alternative lexical variants, such as *tāsīdan* and *nāhīdan*—proposed in place of *tāzīdan*—are dismissed as erroneous and later distortions. Furthermore, the research supports Jeyhouni’s argument for the reintegration of the subsequent verse, which has been relegated to the margins in the Moscow and Khaleghi-Motlagh editions of *Shāhnāmah*. This subsequent verse is recognized as an early textual witness alluding to the cultural phenomenon of the *bāzi-e kbāl* (i.e., “Shadow Play”).

**Keywords:** *Tāzīdan*, *Tāsīdan*, *Nāhīdan*, *Shāhnāmah*, Critical edition, More difficult reading, Scribal



دانشمند گرامی، دکتر سجّاد آیدنلو، در شماره ۲۰۸ مجلّه آینه پژوهش مطلبی نوشته‌اند با عنوان «ناهیدن» (اقتراحى درباره یک واژه دشوار و ناآشنا در شاهنامه) و در آن کوشیده‌اند که اصالت ضبط «ناهیدن» را در بیتی از شاهنامه نشان دهند. سپس از پژوهشگران زبان‌شناسی تاریخی خواسته‌اند که ریشه این واژه دشوار و ناآشنا را، که از قرار جست‌وجوی ایشان در هیچ متن دیگری شاهدهی ندارد و در فرهنگ‌ها نیز وارد نشده است، بیابند. ایشان در آخرین بند از نوشته خود آورده‌اند (آیدنلو، ۱۴۰۳: ۲۲۶):

در هر حال متخصصان زبان‌شناسی تاریخی و لغت‌پژوهان باید ریشه و معنای این لغت نادر و شاذ را بررسی و یافته‌ها و احتمالات خود را عرضه بکنند و به صرف اینکه نگارنده و بعضی دیگر مانند او معنای دقیق آن را نمی‌دانند و فعلاً گواهی/گواهی‌های دیگری برای آن نیافته‌اند نمی‌توان از این ضبط دشوار مستند بر چند دست‌نویس مهم چشم پوشید و صورت کاملاً ساده‌شده «تازیدن» و «بازیدن» را انتخاب کرد یا دست به تصحیح قیاسی زد. «ناهیدن» در نسخه بادلیان (۸۹۹) به «هانیدن» تبدیل شده و احتمالاً صورت‌های «نادیدن» و «نالیدن» نیز در سایر دست‌نویس‌ها محرف ساده‌گردانیده همین «ناهیدن» است. جای شگفتی است که هیچ یک از مصححان شاهنامه به این واژه کهن و ناآشنا در چند نسخه مهم توجه نشان نداده و به سادگی از آن گذشته‌اند.

نگارنده قصد دارد که همچنان از دریچه نگاه یک مصحح به پیشنهاد ایشان نظر بیفکند تا روشن شود که جست‌وجو برای اصل و ریشه واژه «\*ناهیدن» چقدر ضرورت دارد. دکتر آیدنلو، آن‌گونه که شیوه مرضیه ایشان است، در نوشته خود داد فحص را داده‌اند و نگارنده را از جست‌وجو در منابع و دست‌نویس‌های پرشمار شاهنامه بی‌نیاز ساخته، که جای سپاس و قدردانی است. تتبعات گسترده ایشان پیرامون ابیات شاهنامه، با شناخت وسیعی که از منابع دارند، از نقاط قوت شاهنامه‌شناسی در سال‌های اخیر و از غنیمت‌های بزرگ برای دوستداران شاهنامه، از جمله نگارنده، است. با این حال نگارنده بر آن است که در این مورد تحقیق لغوی وجهی ندارد و اگر روزی روشن شود که واژه «\*ناهیدن» واقعاً وجود داشته و اصل و ریشه‌ای داشته است، همچنان این واژه با بیت محل بحث ارتباطی ندارد.

\*\*\*

بیت مورد بحث در مقاله پیش‌گفته این است (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۷۴):

سرِ سرکشان اندرآمد به خواب ز تاسیدن بادپایان برآب  
و کلمه محلّ سخن در آن چیزی است که خالقی مطلق «تاسیدن» ضبط کرده است.  
پیش از پرداختن به سخن خود، حاصل جست‌وجوی آیدنلو در میان دستنویس‌های  
شاهنامه را، که بی‌گمان با دشواری فراوان همراه بوده است، در جدولی خلاصه می‌کنم تا  
بتوان به سادگی از جایگاه تاریخی دستنویس‌های حاوی هر ضبط آگاه شد.

تازیدن	بازیدن	نادیدن	نالیدن	ناهیدن	غیره
فلورانس ۶۱۴	لندن ۶۷۵	سن ژوزف (ق ۹۷؟)	توپقایی ۷۳۱	لنین‌گرا ۷۳۳ حاشیه قاهره ۷۴۱ توپقایی ۷۷۲ کاما (ق ۸؟)	
قاهره ۷۹۶ سعدلو (ق ۸؟)		حاشیه ظفرنامه ۸۰۷		دهلی ۸۳۱ نورعثمانیه ۸۳۴ بادلیان ۸۱۷-۸۳۸	
بایسنقری ۸۲۹-۸۳۳		لیدن ۸۴۰			بایندن (۸۲۳)
لندن ۸۴۱ پاریس ۸۴۴ ایاصوفیه ۸۴۶ پاریس ۸۴۸ بادلیان ۸۵۲				واتیکان ۸۴۸ ایاصوفیه ۸۵۷ ایاصوفیه ۸۶۱	ناسیدن (۸۴۹) بایندن (۸۶۹)
برلین ۸۹۴		لندن ۸۹۱		استانبول ۸۹۵ مونبخ ۹۰۲	هانیدن (۸۹۹)
محمّد عاصمی ۸۹۹					تازیدن (بی‌تا)
پاریس ۹۰۵ پاریس ۱۹۵۰ پاریس ۹۷۴					

آن‌گونه که پیداست صورت «تازیدن» (و مصحّف یا محرّف آن، یعنی «بازیدن») در شمار قابل توجهی از دستنویس‌ها، از قدیم‌ترین دستنویس‌های شاهنامه (یعنی فلورانس و

لندن) تا دستنویس‌های سدهٔ دهم (و حتماً بعد از آن هم)، آمده است. پس از این صورت، به لحاظ تاریخی، صورت‌های «نادیدن» و «نالیدن» قرار می‌گیرند و سپس «ناهیدن»<sup>۱</sup>. صورت «تاسیدن» که خالقی مطلق بر اساس آن «تاسیدن» را در متن نهاده است از این هم متأخرتر است. پیش از نگارنده جیحونی (۱۳۸۰: ۴۱) و آیدنلو (۱۴۰۳: ۲۲۴) دربارهٔ «تاسیدن» نوشته و ناموجه بودن آن انتخاب را نمایانده‌اند.

آیدنلو در بخشی از نوشتهٔ خود آورده است:

بر اساس قواعد تصحیح علمی-انتقادی متون، ضبط دشوار «ناهیدن» که مبتنی بر حداقل دوازده نسخهٔ کهن و معتبر از سده‌های هشتم، نهم و دهم است، هرگز نباید نادیده گرفته و به سادگی کنار گذاشته شود و به احتمال بسیار نویسنده درست و اصلی همین است.

پوشیده نیست که ترجیح ضبط دشوارتر تنها یکی از قواعد تصحیح علمی-انتقادی متون است و یکی از اصلی‌ترین قواعد این نوع تصحیح ترجیح ضبط دستنویس‌های معتبرتر و قدیم‌تر است. تا جایی که نگارنده می‌داند، دستنویس‌های فلورانس ۶۱۴ و لندن ۶۷۵، در کنار دستنویس بی‌تاریخ اما ظاهراً قدیم سن ژوزف، نه تنها از نظر قدمت، که از نظر اعتبار نیز بر دیگر دستنویس‌های شاهنامه تقدّم دارند؛ از این روی در این جا به نظر می‌رسد که باید میان ضبط قدیم‌ترین و معتبرترین دستنویس‌ها و ضبط دشوارتر یکی را برگزید. اما از نظر نگارنده چنین دوراهی‌ای وجود ندارد و در واقع در این بیت ضبط دشوارتر همان ضبط دستنویس‌های معتبر قدیم است، اگر مقولهٔ «ضبط دشوارتر» را صرفاً از نظرگاه واژه‌های کمیاب و دشوار نبینیم<sup>۲</sup> و دیگر جوانب دشواری ضبط را نیز در نظر داشته باشیم.

۱. محتمل است که در آینده دستنویسی/دستنویس‌هایی قدیم‌تر از فلورانس یافته شود که صورت «ناهیدن» را نشان دهد. همچنین غیرممکن نیست که بعضی دستنویس‌های حاوی صورت «ناهیدن» از روی دستنویس‌های قدیم‌تر از فلورانس کتابت شده باشند. با وجود این احتمالات تکلیف چیست؟ ظاهراً تا هنگامی که آن دستنویس‌های احتمالی یافته شوند باید به اسناد قطعی در دسترس اعتماد کنیم؛ زیرا جز در این صورت مقولهٔ پای‌بندی به دستنویس‌های قدیم اساساً بی‌معنی خواهد شد.

۲. نگارنده در مقالهٔ «تصحیح متن؛ یک بررسی جزئی نگرانه (بحثی در مسئلهٔ شواذ)» (راستی‌پور، ۱۴۰۲) به بعضی خطاها که در جریان کشف شواذ به پژوهشگران دست داده اشاره کرده است و خوانندگان را برای دیدن نمونه‌های دیگری از شواذ بر ساختهٔ مصححان به آن مقاله ارجاع می‌دهد.

آن‌گونه که آیدنلو آورده است، جیحونی در این بیت صورت «تازیدن» را ترجیح داده و بیت را این‌گونه معنی کرده است:

از (نرم) تاختن اسبان بر آب، سواران چنان آسوده بودند که در خواب شدند.  
(جیحونی، ۱۳۸۰: ۴۱؛ نقل از آیدنلو، ۱۴۰۳: ۲۲۴)

نخستین مرحله برای دریافت معنی این بیت آن است که خواننده دریابد که فریدون و همراهان او توانسته اند بر آب بتازند؛ چگونه؟ پاسخ آن است که گذشتن فریدون از اروند، در نظر فردوسی و شاید منابع او نیز، کاری ایزدی بوده (آن‌گونه که جیحونی توضیح داده است؛ نک. جیحونی، ۱۳۸۰: ۴۱؛ آیدنلو این توضیح را نقل نکرده است) و او به یاری یزدان توانسته است بر آب جیحون بتازد. پرسش بعدی آن است که «آیا ممکن است تاختن به سرعت آن‌گونه نرم باشد که کسی را در حینش خواب دربراید؟»، و پاسخ مثبت است؛ در شاهنامه چند بار به بردن کودکان به نزد نیایشان با فعل «تاختن» اشاره شده است (برای مثال نک. فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۱۲۶/۵۸۲؛ ۱/۲۶۸/۱۴۸۱) و این «تاختن» اگرچه به سرعت، ولی بی‌گمان با نرمی بوده است. البته ناگفته نماند که هرگاه فردوسی گذشتن فریدون و سوارانش از جیحون را کاری ایزدی دانسته باشد، به سادگی می‌توانسته با اندکی اغراق گذشتن آنان را چنان نرم و بی‌ناهمواری وصف کند که سواران در حینش به خواب رفته باشند. آن‌چه گفته شد توجیهاتی است که برای دریافت صورت «تازیدن» باید پیش چشم داشت و درنیافتن هر کدام ممکن است موجب شود که خواننده این صورت به ظاهر ساده را نادرست یا غیرمنطقی بیندارد، آن‌گونه که غالب مصححان شاهنامه پنداشته‌اند. البته احتمال قوی‌تر آن است که مصححان شاهنامه، از آن‌جا که این صورت را ساده شده و محرف دانسته‌اند (زیرا نگاه ایشان به دشواری ضبط عموماً معطوف به دشواری لغات و مفردات است)، اصلاً کوشش نکرده‌اند تا معنی بیت را با «تازیدن» دریابند.

اما نکته مهم دیگری که جیحونی بدان اشاره کرده و آیدنلو احتمالاً آن را نادرست یا کم‌اهمیت دانسته و نقل نکرده، آن است که هم مصححان چاپ مسکو و هم خالقی مطلق، بیت سپسین را بی‌دلیل به حاشیه برده‌اند. اکنون صورت مصحح بیت محل سخن و بیت پس از آن را (بر اساس نسخه بدل‌های چاپ خالقی مطلق و مقابله با دستنویس سن ژوزف) به دست می‌دهم تا بتوانم درباره معنی ابیات دقیق‌تر سخن بگویم:

سرِ سرکشان اندرآمد به خواب    ز تازیدنِ بادپایان بر آب  
به آب اندرون تن برآورد و یال    چو اندر شب تیره بازی خیال<sup>۱</sup>

خالقی مطلق در پانویس ۱۶ این صفحه آورده است: «ف.پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب پس از این بیت افزوده اند» و سپس بیت دوم را، با ذکر اختلافاتِ نسخ، نقل کرده است. همچنین این بیت در دستنویس سن ژوزف (فردوسی، ۱۳۸۹: گ ۴۹۶ر) نیز با اختلافاتی با آن چه آوردیم آمده است. ضبط اصلی بیت به صورت کلی باید همان چیزی باشد که آمد (مطابق با تصحیح جیحونی؛ نک. فردوسی، ۱۳۸۰: ۶۰/۱)، جز آن که درباره «چو اندر شب...» و «چنان چون شب...» اطمینان ندارم. با توجه به بودن بیت دوم در تمامی دستنویس‌های معتبر شاهنامه، روشن نیست که چرا خالقی مطلق و مصححان چاپ مسکو آن را به حاشیه برده‌اند. می‌شود حدس زد که روشن نبودن معنی و تصویر بیت موجب حذف آن بوده است (آن‌گونه که مصححان چاپ مسکو بیت «سرکشان...» را نیز به حاشیه برده‌اند و خالقی مطلق هم آن را در چنگک تردید نهاده است).<sup>۲</sup> در کنار دشواری معنی و تصویر ابیات، احتمالاً وجود واژه «خیال» نیز، که هم عربی است و هم در شاهنامه شاهد دیگری ندارد، مصححان را از برافزوده بودن بیت دوم مطمئن ساخته است. نگارنده پیش‌تر درباره کاربرد واژه‌های عربی در شاهنامه سخن گفته است و «خیال» در دومین گروه از دو گروه کلمات عربی شاهنامه که او در آن‌جا برشمرده است جای می‌گیرد: کلماتی که فردوسی جز به ضرورت یا به اقتضای بعضی شرایط به کار نبرده است (که محتملاً، و نه الزاماً، کاربردهای منفرد خواهند داشت) (راستی پور، ۱۳۹۹: ۱۲۲-۱۲۳).

جیحونی، در مقاله پیش‌گفته، پیش از به دست دادن معنای پیشنهادی خود، گفته است (جیحونی، ۱۳۸۰: ۴۱):

معنی بیت روشن است و مؤید معنایی که ارائه خواهد شد بیت بعد از آن است که در هر دو چاپ مسکو و خالقی بی سبب به حاشیه برده شده است.

۱. بازی خیال > بازی خیال.

۲. مورد مشابه بیت «نخستین دل از مرگ بشتابدی...» است که در چاپ خالقی مطلق به حاشیه رفته و در چاپ مسکو به کلی وارد نشده است (درباره این بیت نک. راستی پور، ۱۳۹۹: ۱۰۳-۱۱۲).



اشارهٔ او به بیتِ دوم از ابیاتِ منقول در بالا است و با توجه به آن بیت، تصویرِ بیتِ پیشین (سرِ سرکشان اندرآمد...) کاملاً روشن می‌شود. عباس زریاب خوبی در مقالهٔ «لعبت بازی، بازی خیال، شب بازی» دربارهٔ «بازی خیال» توضیح داده است (نک. زریاب خوبی، ۱۳۹۸: ۹۳-۹۵). قدیم‌ترین سندی که او در آن جا از بازی خیال (خیال الظَّل) به دست داده از شعر ابونواس، شاعر ایرانی عربی سرای (ح ۱۴۰-۱۹۶ق؛ نک. آذرنوش، ۱۳۹۷: ۳۲۸-۳۳۵)، است. اما شاهد مهم‌تر را در شعر اسدی طوسی می‌توان یافت که او نیز در ابتدای گرشاسپ‌نامه به بازی خیال اشاره کرده است (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۶) و این کاربرد او اشارهٔ فردوسی به بازی خیال را کاملاً محتمل می‌سازد.<sup>۱</sup> با توجه به آن چه زریاب خوبی دربارهٔ بازی خیال نوشته روشن می‌شود که فردوسی تاختن تند اما نرم سواران بر آب را به زیبایی و دقت توصیف کرده است. در بازی خیال پرده‌ای نصب می‌شود و در پس آن، با فاصله، آتشی افروخته می‌شود؛ پس بازیگران صورتک‌های نمایش را با دو چوبِ نازک در دست می‌گیرند و در میانهٔ آتش و پرده آن‌ها را به حرکت درمی‌آورند، طوری که سایهٔ صورتک‌ها بر پرده بیفتد. ناظران در سوی دیگر پرده قرار دارند و تنها سایهٔ صورتک‌ها را می‌بینند که بر پرده افتاده است، بدون آن که اجراکنندگان نمایش و چوب‌های نازکی را که در دست آنان است ببینند. سایهٔ این صورتک‌ها، در نگاه ناظران، گویی بر هوا پرواز می‌کند، آن‌گونه که تن و یال اسپان فریدون و یاران او از آب اروند بیرون بوده و بر روی آب به تندی می‌تاخته‌اند: [بادپایان] در آب تن و یالشان بالا آمد (تن و یالشان به درون آب فرو نرفت، بیرون از آب شناور ماند)<sup>۲</sup>، همان‌گونه که در شبِ تاریک بازی خیال [به نظر می‌رسد].

آخرین نکته‌ای که باید روشن ساخت چگونگی ساخته شدن صورتِ احتمالاً نادرست، ولی ظاهراً شاذ «ناهیدن» است. کمتر تردیدی هست که صورتِ «نادیدن»، که بر اساس جست‌وجوی آیدنلو دست‌کم در چهار نسخه آمده است، شکل مصحّف (یا شاید محزّف) «نازیدن» است. دقت در صورتِ نوشتاری «د» در نسخه‌های فارسی، که قدری شبیه به «د» در خطِ ثلث است، نشان می‌دهد که چگونه ناهیدن می‌توانسته است به

۱. از دانشی دوست‌گرامی، آقای مرتضی موسوی، از بابت این اطلاع سپاسگزارم.

۲. مصرع نخست را باید این‌گونه معنی کرد: [در همان حال که] به آب اندرون [بود] تن برآورد و بال...؛ یعنی در حالی که اسبان وارد رود شده بودند گردن و تن ایشان از آب بیرون آمد.

«ناهیدن» تصحیف شود. عکس این روند (ناهیدن < نادیدن) نیز البته ممکن است، ولی فعلاً روشن است که دستنویس‌های قدیم‌تر صورت «تازیدن» را نشان می‌دهند که بر اثر آن باید «نادیدن» و سپس «ناهیدن» ساخته شده باشد.

اما آیدنلو بر آن است که «اینکه در بیش از دوازده نسخه قدیم و جدید، این واژه نگه داشته شده است نشان می‌دهد که ظاهراً برخی کاتبان معنای دقیق یا کلی آن را در بافت بیت مورد بحث (سر سرکشان اندرآمد به خواب/ ز ناهیدن بادپایان بر آب) می‌دانستند یا درمی‌یافتند» (آیدنلو، ۱۴۰۳: ۲۲۶). این اظهار نظر بر دو پیش‌فرض درباره کار کاتبان استوار است:

۱. کاتبان چیزی را که می‌نوشته‌اند به صورت حدودی یا دقیق می‌فهمیده‌اند؛
۲. کاتبان هر چیز را که نمی‌فهمیده‌اند تغییر می‌داده‌اند.

این هر دو پیش‌فرض، به این صورت که گفته شد و پایه استدلال آیدنلو بر آن بوده، نادرست است و باید آن‌ها را این‌گونه اصلاح کرد:

۱. کاتبان همیشه چیزی را که می‌نوشته‌اند در نمی‌یافته‌اند و گاه فقط نقاشی می‌کرده‌اند (و این نقاشی کردنشان گاه ضبط‌های شاذ اصیل را محفوظ نگاه داشته و گاه صورت‌های محرف نادرست را انتقال داده‌است)؛
۲. کاتبان گاه چیزهایی را که نمی‌فهمیده‌اند تغییر می‌داده‌اند.

در بیت محلّ سخن، احتمال قوی می‌توان داد که بسیاری از کاتبان ترجیح داده باشند که همان چیزی را که می‌دیده‌اند بدون دخل و تصرف تکرار کنند، زیرا هر گونه تصرفی در «ز ناهیدن بادپایان بر آب» محتاج درکی نسبی از معنای مصراع و تصویر بیت بوده‌است، چیزی که احتمالاً بیشینه کاتبان (کاتبانی که این صورت عجیب و احتمالاً محرف را می‌دیده‌اند) بدان راه نمی‌برده‌اند؛ پس کاملاً طبیعی است که صورت «ناهیدن» در بعضی نسخ تکرار شده باشد و این به هیچ روی بدان معنا نیست که کاتبان آن نسخ تصویری از معنی «ناهیدن» داشته‌اند.

## منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۷). «آبُونُواس». در: دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: سخن.
- آیدنلو، سجّاد (۱۴۰۳). «ناهیدن (اقتراح‌ی دربارهٔ یک واژهٔ دشوار و ناآشنا در شاهنامه)». آینهٔ پژوهش، س ۳۵، ش ۴ (پیاپی ۲۰۸): ۲۱۹-۲۳۰.
- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۵۴). گرشاسپ‌نامه. به اهتمام حبیب یغمائی. تهران: طهوری.
- جیحونی، مصطفی (۱۳۸۰). «بررسی بیت‌هایی از شاهنامهٔ فردوسی (۴)». فرهنگ اصفهان، ش ۱۹ (بهار): ۳۶-۴۷.
- راستی پور، مسعود (۱۳۹۹). «نگاهی دیگر به خطبهٔ داستان رستم و سهراب». آینهٔ میراث، پیاپی ۶۶: ۹۵-۱۲۹.
- راستی پور، مسعود (۱۴۰۲). «تصحیح متن؛ یک بررسی جزئی‌نگرانه (بحثی در مسئلهٔ شواذ)». آینهٔ میراث، پیاپی ۷۳: ۸۷-۱۱۸.
- زریاب خوبی، عباس (۱۳۹۸). «لعبت بازی، بازی خیال، شب بازی». بخارا، ش ۱۳۴ (آذر و دی): ۸۹-۹۶.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۰). شاهنامه. تصحیح انتقادی، مقدمهٔ تحقیقی، نکته‌های نویافته از مصطفی جیحونی. اصفهان: انتشارات شاهنامه پژوهی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). شاهنامه. نسخه‌برگردان از روی نسخهٔ کتابتِ اواخر سدهٔ هفتم و اوایل سدهٔ هشتم هجری قمری (کتابخانهٔ شرقی، وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، شمارهٔ NC. 43). به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی. با مقدمه‌ای از جلال خالقی مطلق. تهران: طایه.